



بهناز شیربانی

رامبد جوان این‌روزها به‌واسطه حضورش در تلویزیون، ارتباط بیشتری با مردم دارد. او‌که برنامه‌ای را با نام «خندوانه» روی آنتن شبکه نسیم می‌برد، عقیده دارد این برنامه باشگاه خنده و شادی مردم است و به مردم یادآوری می‌کند کسان را خوب کنند. البته چندی است اظهارنظرهای متفاوتی نسبت به این برنامه می‌شود. برخی از تغییر نگاه برنامه حرف می‌زنند و اینکه «خندوانه» با دعوت از برخی چهره‌های سیاسی روند دیگری را در پیش گرفته. رامبد جوان با ما درباره حواشی این‌روزهای «خندوانه» به صحبت نشست.

کا تصور می‌شود «خندوانه» در سری جدید، شمایل متفاوت‌تری پیدا کرده. طبعاً مثل هر برنامه تلویزیونی، گروهی مخالف و موافق هم دارد. اما نکته اینجاست که وجه سیاسی برنامه بیش از هرچیز دیگری این‌روزها روی آن سایه انداخته و دلیل انتخاب برخی میهمانان به این حرف‌وحديث‌ها دامن زده است. واقعیت «خندوانه» چیست؟

طبعاً فکر می‌کنم نظر مخالفان، روی همان بُعد دعوت از برخی میهمانان سیاسی است. آن‌هم به این دلیل که جناح مقابل، نمایندگان خودشان را در برنامه نمی‌بیند، اما واقعیت این است که سیاسی‌شدن «خندوانه» شوخی است. این برنامه بسیاری از اتفاقات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی را با زبان طنز بیان می‌کند و واقعیت این است که این اتفاقات می‌تواند با هم تلفیق شود، اما به‌هیچ‌وجه دلیل خوبی برای متهم‌کردن ما به ساخت یک برنامه سیاسی نیست.

کسانی‌که مخالف برنامه ما به جهت دعوت از میهمانان سیاسی هستند می‌توانند فضاوت کنند که این مجموعه فقط در تعداد محدودی از برنامه‌ها میهمانان سیاسی داشته. ما میهمانان ورزشکار، روان‌شناس، مدیر، بازیگر و سیاسی داشتیم. از نظر من آقای ظریف هم باید به برنامه بیاید یا حتی آقای سلحشور یا شریعتمداری، آن‌هم به چند دلیل که اساس ساخت برنامه «خندوانه» است. من کاری به نگاه سیاسی آدم‌ها ندارم اما برایم مهم است که یک مسئول چه می‌کند که حال مردم خوب شود؟ اساساً معنی اینکه من کسی را به این برنامه دعوت می‌کنم، این نیست که طرفدار صدرصد او هستم. بلکه به این معناست که آن آدم‌ها بخشی از مردم جامعه ما هستند. بنابراین باید همه طیف‌های مردم از هر نوع نگاه و طرز تفکری حضور داشته باشند و حرف بزنند. طبعاً هرکدام از آنها یک‌سری طرفدار را موافق دارند. وقتی از کسی می‌پرسم چه‌چیزی حالت را بد می‌کند؟ سؤال مهمی مطرح می‌کنم؛ چراکه معتقدم با این پرسش بسیاری از زوایای رفتاری، ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طرف مقابل روشن می‌شود و جالب است که اکثراً میهمانان در پاسخ به پرسش من می‌گویند «دروغ» از هرچیزی بیشتر حالشان را بد می‌کند و به‌نظم همین پاسخ نشان می‌دهد که دروغ در جامعه ما چیز شایعی است.

دلیل مخالفت عده‌ای با برنامه «خندوانه» را متوجه نمی‌شوم؛ آن‌ها هم برنامه‌ای که تمام تلاشی‌ش را می‌کند تا به مردم یادآوری کند خالتان را خوب کنید. گرفتاری، همیشه هست. کدام کشور دنیاست که مردمش گرفتاری و مشکلات نداشته باشند؟ حتی سونئیس هم که به کشور رفاه و آسایش شهرت دارد، مردمش گرفتاری‌های خاص خودشان را دارند. من از نزدیک مردم آفسرده زیادی را در این کشور دیده‌ام. مهم این است که با وجود همه مشکلات، مردم به خودشان یادآوری کنند که می‌توانند حالشان را خوب کنند و هیچ‌کس در این امر به اندازه خودشان موفق نخواهد بود.

کا به نظر می‌رسد نکته اصلی برنامه هم همین موضوع است....

دقیقا. دو نکته در برنامه ما حائزاهمیت است؛ اول اینکه نشان می‌دهیم همه آدم‌های موفق شوخ‌طبع هستند. نمی‌شود آدم عبوس و بداخلاق گرفته‌ای وجود داشته باشد که اسمش را بتوان آدم موفق گذاشت. چون تو باید بلد باشی که با دنیا شوخی کنی یا بلد باشی با فاجعه شوخی کنی. همان‌طور که مردم می‌کنم در یک خانواده همه در کنار هم سالم و خوشحال باشند و بچه‌ها دکتر و مهندس شوند. آرزو می‌کنم در هر خانواده یک کم‌دین وجود داشته باشد. این اتفاق بسیار بزرگی است. چون وجود این آدم‌ها باعث می‌شود حال اطرافیان هم خوب شود. نکته بعد این است که متأسفانه ما همیشه عادت کرده‌ایم از کسی متوقع باشیم مثل اینکه مدام از اطرافیان می‌پرسیم تو برای من چه کاری کردی؟ یا چرا به من توجه نمی‌کنی؟ انکار همیشه چیز دیگری باید وجود داشته باشد تا حال ما بهتر شود؛ این، تصور بسیار اشتباهی است.

کا فکر می‌کنم برنامه به نقطه‌ای رسیده باشد که بتوان یک ارزیابی از عملکرد این مدت داشت. تأثیرات «خندوانه» را چطور دیدید؟ خیلی خوب. برای ما این اهمیت دارد که این برنامه مورد تحقیق جامعه‌شناسان قرار بگیرد. از نظر من دو نوع نگاه وجود دارد؛ از نخبه به جامعه نگاه کنی و از جامعه به نخبه. ما نخبه‌هایی را به این برنامه دعوت می‌کنیم و میزان شادی آنها را نشان می‌دهیم و همین میزان خوبی است برای اینکه ببینی حال مردم

رامبد جوان در گفت‌وگو با «شرق»:

سیاسی‌شدن «خندوانه» شوخی است



عکس: بهروز برگ

«نیما» است. لزوم اضافه‌شدن چنین شخصیتی به برنامه چه بود؟

فکر کردیم بهتر است شخصیتی به‌عنوان نماینده آدم‌های معترض در برنامه وجود داشته باشد و شخصیت نیما دقیقاً بر این اساس طراحی شده است. طبعاً بین بچه‌های تئاتر گزینش کردیم و نیما شعبان‌نژاد گزینه بسیارمناسبی برای حضور در برنامه بود. نیما بسیار باهوش و حواس‌جمع و به‌نظم حضورش اتفاق خوبی در برنامه است.

کا فکر می‌کنم در ابتدا کسی تصور نمی‌کرد «خندوانه» در شبکه نسیم که مخاطبان محدودی دارد تا این‌حد دیده شود و فکر می‌کنم این برنامه توانسته مخاطبانش را پیدا کند. آیا طرحی مبنی بر چگونگی ادامه‌دارشدن برنامه وجود دارد؟

به‌رحال شبکه نسیم یک شبکه تخصصی است. درحال‌حاضر ما گرامر شبکه و شبکه گرامر ما را می‌داند. آقای کرمی مدیر شبکه، یکی از بهترین مدیرانی است که تا به امروز با او کار کرده‌ام. این را نه به دلیل اینکه برنامه ما در شبکه نسیم پخش می‌شود، بلکه از این نظر می‌گویم که در این مدت نظراتش همیشه به نفع کار بوده. هیچ‌وقت نظرش دوست دارم یا دوست ندارم نیست. ما برای مردم برنامه می‌سازیم و مدیران هم باید متوجه باشند برنامه برای مردم تولید می‌شود نه آنها. بنابراین علاقه شخصی آنها در برنامه‌سازی نقش کمتری دارد و خوشبختانه ما این تعامل خوب را در شبکه نسیم با مدیریت داریم. واقعیت این است که «خندوانه» یک تیم است که همه برای بهترشدنش تلاش می‌کنیم؛ شاید در نهایت من به‌عنوان سرپرست این گروه هستم که باید موافقت یا مخالفتم را با اتفاقی بیان کنم؛ اما ما یک گروه هستیم و من عاشق گروهی‌کارکردن هستم. البته قبلاً این روحیه گروهی‌کارکردن را نداشته‌ام اما از جایی به بعد خودم را تربیت کردم که با گروه کار کردن باعث اتفاقات بهتری می‌شود و حالم هم بهتر است.

کا طبعاً به واسطه حضور بیشتر در تلویزیون، سینما برایتان کم‌رنگ شده است. هرچند معتقدم بعد از آزمون و خطاهایی که در برنامه‌سازی تلویزیون انجام دادید، «خندوانه» همان ایده‌آلی است که برای خودتان تعریف کردید. اما «خندوانه» همیشه ادامه‌دار نخواهد بود. فکر می‌کنید این برنامه به جایی رسیده است که بتواند حتی بدون شما راهش را ادامه دهد؟

اگر «خندوانه» سریال بود یا چیزی غیر از اتفاقی که هست، نمی‌توانستیم پای آن بایستیم. الان کف دستم می‌خارد برای دکوپاژکردن فیلم و فیلم‌سازی. اما احساسم این است که این برنامه الان دیگر مثل یک باشگاه خنده و شادی است و چراغش باید روشن باشد. واقعیت این است که مردم به این شادی نیاز دارند، در نتیجه الان دیگر نمی‌توانم به چیز دیگری فکر کنم. شاید در آینده به جایی برسد که به‌اصطلاح موتورش روشن شود و فکر کنم می‌تواند مسیرش را ادامه بدهد ولی درحال‌حاضر نظری ندارم؛ یعنی نمی‌دانم چه اتفاقی خواهد افتاد.

کا میهمانی هست که همچنان منتظر حضورش در برنامه باشید؟

دوست داریم دکتر روحانی و آقای ظریف را در برنامه داشته باشیم و حتی آقای سلحشور. من با عقاید آقای سلحشور مشکل دارم و به‌نظم من حرف‌هایش توهین‌آمیز است، اما ما احساسی رفتار نمی‌کنیم. دوست داریم ببینیم لیخنه آقای شریعتمداری چند امتیاز می‌گیرد!

کا به‌نظم حضور رضا شهیدی‌فرد، به‌عنوان همراه شما در این برنامه اتفاق خوبی برای «خندوانه» است، چراکه از معبود برنامه‌سازانی است که همیشه کیفیت و خلاقیت در آثارش وجود داشته. بعد از چندین ماه همکاری به سلیقه مشترک رسیده‌اید؟

بله. رضا شهیدی‌فرد بسیار حرفه‌ای و فوق‌العاده است. سلیقه، دانش و اشراف او به برنامه‌سازی و رسانه ملی بی‌نظیر است. واقعیت این است که بعد از اضافه‌شدن او به گروه باری از دوش من برداشته شد. **ک**ا آقای جوان اتفاقی در برنامه وجود دارد که تصور می‌کنم باز هم رنگ کلیشه به خودش می‌گیرد؛ حضور کم‌دین‌هایی که تعدادشان محدود است و در طولانی مدت می‌تواند مخاطب را خسته کند. فکری برای تنوع بیشتر برای حضور کم‌دین‌ها در برنامه شده‌است؟

بله. به مرور تعداد آنها بیشتر خواهد شد؛ مثلاً با جواد عزتی صحبت کرده‌ایم و تعدادی دیگر از دوستان که در کنارمان خواهند بود.

کا حرفی هست که ناگفته باقی مانده؟

باز هم تأکید می‌کنم ما سیاسی نیستیم و نخواهیم شد. طبعاً یک برنامه تلویزیونی سیاست‌های خاص خودش را دارد، اما نمی‌توان ما را به این متهم کرد که برخی از کارها را بنا به دستور یا فرمایش انجام می‌دهیم؛ مثلاً لازم نیست کسی به ما دستور بدهد درباره شهدا یا جانبازان صحبت کنیم و قسمتی بسازیم. ما به آنها معتقدیم و باید درباره قهرمانی‌شان صحبت کنیم و یادآوری کنیم کسانی از جانشان گذشتند تا ما الان اینجا باشیم و یک عده‌ای هنوز وجود دارند که جانباز هستند و همین مردمی هستند که ما بین آنها زندگی می‌کنیم. چرا عده‌ای فکر می‌کنند این حرف‌ها به من حکم می‌شود؟ من از دو نماینده تفکر راستی‌ها و چپ‌ها برای حضور در برنامه دعوت کردم و خواهم کرد و شاید عده‌ای نپذیرند در برنامه حضور داشته باشند. این اتفاق، دیگر تقصیر من نیست.

هنر

جنبه جادو

از «نان و نمک» تا «خندوانه»



جواد فرحانی

تهیه‌کننده

همکاری من با رامبد جوان به سال‌ها پیش برمی‌گردد؛ زمانی که برنامه «نان و نمک» را در کنار هم بودیم و این رفاقت ادامه‌دار شد تا به «خندوانه» رسید. تصور اینکه ایده اولیه «خندوانه» به‌مرور به جایی می‌رسد که مخاطبان بی‌شماری برنامه را نگاه می‌کنند، برایم خیلی دور از ذهن نبود. در درجه اول حضور رامبد جوان با ایده‌های خلاقانه و هوشمندانه‌اش باعث ارتقای سطح کیفی برنامه شد؛ امروز شاهد موفقیت این برنامه باشیم. اخلاق حرفه‌ای نکته مهمی در گزینش افرادی است که سعی می‌کنند تا با هم به مقصد موردنظر در یک کار گروهی برسند و خوشبختانه رامبد جوان همیشه این برنامه اخلاق حرفه‌ای را در کارش رعایت می‌کند و ارتباطش با سایر اعضای گروه آن‌قدر صمیمی و حرفه‌ای است که خودبه‌خود باعث می‌شود تمام گروه، کار را برای خودشان بدانند و از ته قلبشان برای برنامه انرژی و زمان بگذارند.

خاطرم هست در روزهای ابتدایی پلان‌به‌پلان این برنامه در ذهن رامبد جوان ساخته و پرداخته شده بود. همه ما امیدواریم در طولانی‌مدت هم موفقیت برنامه را در چیزی که امروز شاهدش هستیم، بیشتر شود و هدف نهایی ما رضایت مخاطبانی است که پای ثابت برنامه هستند.



ماه‌هاست که گروه «خندوانه» هرروز به فکر ارتقای کیفی این برنامه هستند و هرچندوقت یک‌بار تغییراتی در برنامه از این‌جهت لحاظ می‌شود. مدام به ایده‌های جدیدی برای ارتقای کیفی برنامه می‌رسیم و یقین دارم که «خندوانه» می‌تواند از چیزی که امروز هست، بهتر شود. آمار مخاطبانی‌که درخواست ورود به برنامه را دارند هرروز بیش از قبل می‌شود و هرروز میزان صد نفر از شهروندان عزیزمان در برنامه هستیم و آمار ۳۰۰ هزار نفری که متقاضی حضور در برنامه هستند، به خودی‌خود آمار قابل‌توجهی است که امیدوارم همه دوستان در این برنامه شرکت کنند، اما همین بخش کار نیز نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی خاصی است که تعداد بسیاری زیادی از همکاران من زحمت این بخش را عهده‌دار هستند.

«خندوانه» طی ماه‌های آتی بدون‌شک رنگ‌وبوی تازه‌تری به خود می‌گیرد و با تمامی مشکلاتی که پیش‌روی این برنامه است، انرژی مردم دلگرمی بزرگی برای همه ماست و امیدوارم که توانسته باشیم تا به اینجا پاسخ مهربانی و لطف مردم را به‌خوبی داده باشیم.

روزنه

اتاقِ پُرولبخند



سجاد افشاریان نویسنده برنامه خندوانه

تو این روزگار که همه مردم ما تمام فکر و ذکرشون معطوف به گرفتاری‌ها و مشغله‌های ریز و درشت روزمره‌ست، جای خالی اهمیت‌دادن به خودمون و به اطرافیان خیلی احساس میشه. اینکه به‌لحظه با خودمون خلوت کنیم ببینیم چقدر در روز به خودمون فکر می‌کنیم، به اینکه در روز چه کارهایی انجام میدیم که حال خودمون‌رو خوب کنیم تا بتونیم بعد از اون، حال اطرافیان و بیشتر از اون، حال جامعه‌مون‌رو خوب کنیم.

خندوانه فقط با به هدف شکل گرفت؛ در عصری که به عالمه مهندس و متخصص جورواجور برای صنعت و تکنولوژی‌ه غم و غصه داریم، در این زمانه‌ای که پر از دست‌وپازدن برای پیداکردن لحظه‌ای آرامشه، بستری‌رو فراهم کنه تا یک تلنگر حتی کوچک به خیلی‌هامون برزنه که به لحظه همه دل‌مشغولی‌هامون رو بذاریم کنار و باهام‌بودنمون لذت ببریم. تو روی هم نگاه کنیم و بی‌دلیل بخندیم تا شادبودن‌رو تمرین کنیم. و این شادبودن‌رو ترویج کنیم و مطمئنیم که وقتی حال ساکنان سرزمین خوب و ناب باشه؛ حال خود وطن هم از تمام لحاظ‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... خوب و ناب میشه.

درحال‌حاضر بیشتر مردم ما در یک دور گردون افتادن و فقط در این روزگار ماشینی پیش‌میرن تا به چیزی برسن که هنوز شناخت خیلی دقیقی ازش ندارن. تک‌تک روزهای زندگی‌شون‌رو ورق می‌زنن تا به جایی برسن که فکر می‌کنن اگه به اون نقطه برسن، می‌تونن بهتر و شادتر زندگی کنن و طعم و مزه واقعی زندگی‌رو بچشن. خندوانه اومده که بگه مردم جون‌لن، زندگی همین روزهاییه که داریم، خیلی راحت ثانیه‌به‌ثانیه‌ش‌رو پشت‌سر می‌گذاریم. خیلی راحت‌تر از اونچه که فکرش‌رو بکنیم می‌تونیم شاد باشیم، ناب باشیم، می‌تونیم یک روز از در خونه بزنیم بیرون و از اولین گل‌فروشی یک شمع‌دونی برای خودمون بخریم و به خودمون هدیه بدیم که هرروز بهش نگاه کنیم و از لمس برگ‌هاش وجودمون پر از تازگی بشه.

شادبودن مثل هر مهارت دیگه‌ای نیاز به تمرین‌ داره و خندوانه تمرینی‌ه برای پرورش تفکر و نگاه درست به زندگی.

خندوانه آینه‌ای میشه تا تمامی مردم، قهرمان‌ها، هنرمندان، سیاستمداران و... رو توی این آینه ببینن و متوجه شن که اونا هم حالشون بد میشه؛ اونا هم مشکلات خاص خودشون‌رو دارن، اونا هم به مر فکر می‌کنن و در نهایت اونا هم مثل خیلی از مردم برای حال خوبشون تلاش می‌کنن و منتظر کسی نمی‌ایستن؛ به‌هرتقدیر خندوانه نمی‌تونه تا ابد ادامه پیدا کنه و یک جایی تموم میشه و وقتی که مردم ما متوجه بشن که خنده اصلی به دله و دل شاداشون بزرگ‌ترین دیوارهای بتونی مشکلات‌رو می‌تونه منهدم کنه؛ خندوانه رسالت خودش‌رو انجام داده.

من فکر می‌کنم به همراه آدم‌ها؛ یا همای آدم‌ها باید به تمامی موجودات غمگین این سرزمین فکر کنیم؛ دلم می‌خواد یک‌روز شادی برنامه‌رو تقدیم کنیم به کشتی‌های غمگینی که در دریاچه خشک ارومیه به گل نشستسن و اشک می‌ریزن و یک‌روز دیگه شادی برنامه‌رو تقدیم کنیم به نخل‌های بی‌سایه‌سار سوخته و نسوخته بی‌خرما تو دل جنوب؛ نخل‌هایی که اونا هم جوشن‌ون‌رو برای این خاک کِفِدشستون گرفتن.

شادی برنامه خندوانه برای تموم مردم ایران‌ه؛ مردم دوست‌داشتنی، نجیب و قانع این سرزمین که با کوچک‌ترین خبرها و اتفاق‌ها میشه دلشون‌رو رشاد کرد و تمام و دست‌اندرکاران تولید، تمام تلاشمون‌رو می‌کنیم که ذره‌ای در این راه کوتاهی نکنیم.

مدیران تصمیم‌گیرنده دولتی و سیاستمداران ما در همواری این راه می‌تونن نقش پُررنگ و سازنده‌ای داشته باشن؛ اگر خودشون متوجه و به این آگاهی رسیده باشن.

آرزو می‌کنم روزی برسه که هرثانیه به‌دنبال پیداکردن دوست

بزرگ‌ترکردن دایره دوست‌هامون بگردیم؛ خندوانه بین مردم

دوست‌های زیادی پیدا کرده؛ از شمال و جنوب و شرق و غرب این وطن

گرفته تا ایرونی‌های سرتاسر دنیا. در پایان آرزو می‌کنم تا هر روزی که

از خواب بیدار می‌شیم، جلو آینه‌ه بایستیم و خنده‌هامون‌رو پُرو کنیم،

بهترین لیخنه‌مون‌رو بیوشیم و اون‌رو تو پیاده‌روها به تمام کسانی که از

کنارشون رد می‌شیم هدیه بدیم.

درپچه

مسعود فراستی در «خندوانه»

مسعود فراستی، منتقد سینما، شبیه‌شب میهمان برنامه خندوانه بود. در این برنامه، رامبد جوان خطاب به او گفت الان که رویه‌روی تو نشست‌ام، احتمالاً همه بچه‌های سینما می‌خواهند مرا بکشند. رامبد جوان از او پرسید با این روحیه نقادی، در خانه چه می‌کنی؟ و فراستی پاسخ داد: «آدم خیلی خوبی هستم. البته در مورد غذا کمی ایرادگیر هستم، ولی زخم را اذیت نمی‌کنم. اما اگر از او پرسید زندگی با این آدم چطوریه است، نمی‌گوید خیلی سخت است، موضع مساوی دارم و این شخصیت است، ادا نیست».

جوان از او پرسید تا‌حال‌حال شده فیلمی در طول سال‌های گذشته ساخته شده باشد و تو بگویی که عالی است؟ که فراستی پاسخ داد، نه! ولی فیلم‌هایی بوده که از آنها تعریف کرده‌ام. از فیلم تو (رامبد جوان) هم تعریف کردم، چون ادعا نداشت. من از این فیلم‌های ادعایی، خیلی بدم می‌آید، چون می‌دانم این حد سازنده‌اش نیست. در ادبیات چرا، ولی در سینما نه. با حرف کوچک اما کمی عمیق، مشکل ندارم.

او درباره برنامه خندوانه هم گفت: «خیلی به این برنامه احتیاج است، شاید یکی از مهم‌ترین چیزهایی که لازم داریم، خنده است و در برنامه تو این اتفاق می‌افتد. در برنامه تو خنده‌ای است که مبتذل نمی‌شود، به مردم احترام می‌گذارد و کلا کار بزرگی است». فراستی در این برنامه گفت یک کافه باز کرده و در آنجا کلاس‌هایش را برگزار می‌کند و به نقد فیلم و گپ‌زدن با جوان‌ها می‌پردازد. فراستی همچنین از خسرو دهقان به عنوان یک منتقد خوب نام برد و در تعریف خودش، گفت: « آدمی هستم که تحمل می‌کنم، خوش‌اخلاقم، حتی مهربانم و روی اصولی که دارم، بدجور پافشاری می‌کنم و خشن می‌شوم. موقع خشن‌شدن هم به کسی توهین نمی‌کنم، ولی رباطهم را کات می‌کنم. قطعاً مرکز عالم نیستم ولی از چیزی که هستم، ناراضی نیستم».